

## چگونگی رفتار با رقبا و دشمنان با رویکرد عاشورایی

سید علی اصغر علوی<sup>۱</sup>، سعید حجازی فر<sup>۲</sup>، حامد زارع شحنه<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸)

### چکیده

انسان در یک محیط اجتماعی زندگی می‌کند و دارای ابعاد گسترده و پیچیده است. نوع رفتار و برخورد انسان با دیگران از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر شبکه ارتباطی انسان با رقبا را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش براساس یکی از نمونه‌های موفق و آزموده شده صدر اسلام در جهت شناخت دشمن (رقیب) و چگونگی برخورد با آنها، به‌عنوان یکی از ضرورت‌های ارتباطی هر انسان، صورت گرفته است. شخصیت جناب حبیب بن مظاهر یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تأثیرگذار در کربلا مورد واکاوی قرار گرفته شده است. روش پژوهش از نوع کیفی است که با بررسی متون تاریخی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. یافته‌های پژوهش نیز در پنج محور یعنی رفتار با رقبا و دشمن، معرفی دشمن، معرفی خود، معرفی سپاه خود و معرفی رهبر خود ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: حبیب بن مظاهر، فرهنگ عاشورایی، یاران امام حسین.

۱. دکتری قرآن و مدیریت جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. modirekarbala313@chmail.ir.com  
۲. مدرس گروه مدیریت و امور مالی دانشگاه آفاق ارومیه، ارومیه، ایران. Saedhejazifar@gmail.com  
۳. کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. miad1388@gmail.com

## مقدمه

تاریخ در تمام دوره‌ها و نزد تمام انسان‌ها از جایگاه والا و تأثیرگذاری برخوردار است. در منابع دینی و مذهبی نیز بر دانستن تاریخ و آگاهی از سرنوشت پیشینیان مکرراً تأکید شده است. برای نمونه در آیه ۱۳۷ سوره آل عمران چنین آمده است: «پیش از شما نیز بر روی زمین افراد با سنت‌ها و روش‌هایشان بودند و الان رفته‌اند. پس در زمین گردش کنید و ببینید عاقبتشان چه شد؟». تاریخ در علوم انسانی نقش و جایگاه آزمایشگاه در علوم تجربی را دارد که باید نظریات و آراء محققان در آن (آزمایشگاه تاریخ) محک بخورد تا در نتیجه محصولی به وجود بیاید که مفید فایده باشد. در این میان؛ واقعه عاشورا به عنوان یک برهه حساس و شگرف در تاریخ اسلام از جهات مختلف حایز اهمیت است که در درون آن، درس‌ها و عبرت‌های قابل تأمل بسیاری وجود دارد. سردمدار این جریان، امام حسین بن علی علیه السلام است که به گفته اکثر پژوهشگران و متفکران مسلمان و غیرمسلمان شخصیت تأثیرگذاری در جهان هستند. برای نمونه آنتوان بارا، پژوهشگر مسیحی در خصوص امام حسین علیه السلام می‌گوید: «اگر حسین یکی از ما بود، علم و بیرق او را و یادبودش را در هر نقطه از زمین برپا می‌کردیم و تمام مردمان را به مسیحیت دعوت می‌کردیم».

پژوهش حاضر شخصیت حبیب بن مظاهر را به عنوان یکی از مهمترین خواص آن زمان که هم بصیرت داشت و هم بصیرت افزایی می‌کرد و در واقعه عاشورا حضور داشت؛ مورد واکاوی قرار داده است. لازم به توضیح است که مقصود از رقبا، اشخاصی هستند که با اهداف عالی سازمان؛ مخالف و معاندند و درصدد مقابله با آن سازمان هستند تا مانع از تحقق اهداف آنها شوند. رقبا به معنای فوق را در تاریخ می‌توان ذیل عنوان مخالفین و یا دشمنان آورد. به عبارتی دیگر در مطالعات تاریخی، برای اینکه معنای رقیب بهتر فهم شود، باید سراغ دشمن و دشمنی‌ها را گرفت. رابطه بین دشمن و رقیب (به معنای خاص کلمه)، عموم و خصوص مطلق است. از این‌رو در مباحث تاریخی این مقاله به جای واژه «رقیب» از واژه «دشمن» استفاده شده است.

روش پژوهش در تحقیق حاضر ترکیبی از روش‌ها است که از لحاظ فلسفه



پژوهش، تفسیری؛ از لحاظ جهت‌گیری پژوهش، بنیادی؛ از لحاظ رویکرد پژوهش، استقرایی؛ از لحاظ نوع پژوهش، کیفی و از لحاظ صبغه پژوهش، کتابخانه‌ای است که براساس استراتژی پژوهشی تحلیل مضمون که یکی از استراتژی‌های پژوهش‌های کیفی به‌شمار می‌رود، انجام خواهد شد. شیوه گردآوری داده‌ها نیز بر اساس اسناد و مدارک کتابخانه‌ای است (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

### دشمن‌ها و دشمنی‌های در کربلا

بررسی دشمن‌ها و دشمنی‌های در کربلا از آن حیث از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است که انواع دشمن‌ها و دشمنی‌ها و نیز نحوه مدیریت والای مدیران کربلایی از جمله حبیب بن مظاهر آشکار می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۷-۱۲۹). دسته اول از دشمنان که ضمن شناسایی آنها باید رهیافت‌ها و راهبردهای آنان را دانست و نسبت به آنها اعلام براءت کرد، دشمنانی هستند که بنیان ظلم را علیه اهل بیت: گزارده‌اند. آنان که سنگ بنیان کج خلافت و ولایت امری را در کجستان سقیفه بر اندیشه‌ها نشانده‌اند و تا ثریای قیامت این اعوجاج ادامه دارد. اینان در صف اول دشمن ایستاده‌اند: «...وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ»؛ «فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ نفرین الهی بر کسانی که پایه‌های ستم را علیه شما اهل بیت تأسیس کردند. در جایی دیگر می‌فرماید: «اللَّهُمَّ الْعَنِ أَوْلَ ظَالِمِ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ».

دسته دوم کسانی هستند که با انگیزه‌های انتقامی اجازه ندادند که اهل بیت علیهم‌السلام از موقعیت خلافت و ولایت الهی که به آنان سپرده شده برای سعادت بشر بهره‌گیرند و آنها را از این مقام و جایگاه دور داشتند. از آنها این‌گونه تعبیر و اظهار انزجار می‌شود: «وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي رَتَّبَكُمْ اللهُ فِيهَا»؛ نفرین و جدایی از رحمت الهی بر گروهی که دست ردّ و طرد بر سینه شایستگان و وارستگان از دودمان رسالت زدند و آنها را از مرتبه حقیقی خود سلب کردند.

دسته سوم کسانی هستند که مستقیماً و مباشرتاً دست به جنایت گشوده و امامان را



به شهادت رساندند، یا به دستور آنان، ائمه: را به حبس و تبعید فرستادند: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ»؛ نفرین و عذاب الهی بر جمعی که شما اهل بیت علیهم السلام را کشتند.

دسته چهارم کسانی هستند که با آماده‌سازی و ایجاد فضای تبلیغی، فرهنگی و سیاسی مردم را علیه امامت شورانده و با تهمت و افترا، مانند «خارجی» خواندن کاروان حسینی مردم را علیه آنان تحریک کردند. در یک نگاه همه فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که در جهت مقابله با حرکت‌های فردی یا جمعی ائمه علیهم السلام باشد، اعم از فرهنگی، سیاسی و تبلیغی نوعی دشمنی با آنان محسوب می‌شود و از این نقطه نظر اعلام براءت از این گروه نیز ضروری است: «وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ لَهُمْ بِالْتَمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ»؛ نفرین خدا بر جمعی که تمهیدات لازم و امکانات تهاجم و کشتار شما را فراهم آوردند.

دسته پنجم جمعیتی هستند که در کمال سفاقت و بی‌خردی بدون شناخت امام و جایگاه و نقش مؤثر او در حیات انسانی برخاستند و برای دستیابی به جایزه‌های اندک و بی‌ارزش دنیایی (که بعضاً به شهادت تاریخ فقط به اندازه علوفه اسب‌ها بوده) فریب دشمن را خورده و گروهی نادان‌تر از آنها به انگیزه بهره‌مندی از حور و قصور بهشتی، در دام تبه‌کاران دوران و سیاستمداران دروغین زمان خود افتادند و دست به کشتار، یا اسارت آنان زدند. امام سجّاد علیه السلام فرمودند: عده‌ای برای نزدیک شدن به خدا، پدرم حسین بن علی علیه السلام را به شهادت رساندند: «كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِدَمِهِ». چنان‌که عمر سعد در صبح روز عاشورا با شعار «یا خیل الله اركبی و بالجَنَّةِ أُبْشِرُ؛ ای لشکر خدا سوار شوید و به بهشت بشارتتان باد». این جمعیت انبوه نادان و بی‌خرد را به وادی ظلمت و ضلالت سوق داد. از این گروه از دشمن در زیارت عاشورا این‌گونه اظهار تنفر شده‌است: «... وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكِ».

دسته ششم گروهی هستند که دشمنی در آنها رخنه کرده و گرچه قیام عملی علیه اهل بیت علیهم السلام ندارند، لکن با اندیشه و حرکت‌های فکری و روحی مخالفان و جنایتکاران هم‌سو هستند و با شنیدن قصه‌های گذشته و حوادث تلخ و دردناکی که بر ائمه: رفته است، به آن رضایت می‌دهند. اینان کسانی هستند که به نحوی در صف دشمن بوده و اظهار تنفر و اعلام براءت نسبت به آنها به این بیان اظهار می‌شود: «وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً بَلَّغَهَا

ذَلِكَ فَرَضَيْتُ بِهِ؛ نفرین الهی بر گروهی که خبر شهادت ائمه علیهم السلام به آنها رسید و به آن رضایت دادند؛ «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ فَرَضِيَ بِهِ»؛ «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ شَايَعَ عَلَى ذَلِكَ»، «وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَاتِّبَاعِهِمْ»؛ اعلام انزجار نسبت به گروه‌هایی که راه و رسم ظالمان را پیروی می‌کنند و در یک جمله همه طبقات و اقشار دشمن از رحمت الهی به دور باد: «اللَّهُمَّ أَلْعَنَهُمْ جَمِيعاً». چه بسا عدّه‌ای همه انواع دشمنی‌ها را اظهار کرده باشند.

### جدول ۱: یافته‌های پژوهش

ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	حبیب در دیدار با قره بن قیس، متناسب خودش با او برخورد می‌کند. بعد از این که وی را به امام <small>علیه السلام</small> معرفی کرد، با او به گفتگو نشست: «وای بر تو؛ چگونه از یاری این مرد که خدای متعال تو را به برکت وجود پدرانش هدایت کرده و لباس بزرگواری را بر اندام تو پوشانیده، دست برمی‌داری و به جانب مردم ستمگر باز می‌گردی؟» (مفید، ۱۳۸۰: ۴۳۵). این برخورد علاوه بر این که بصیرت‌بخشی را شامل می‌شود، جانب انذار توأم با بیان فضل اهل بیت <small>علیهم السلام</small> را رعایت کرده است.	اقامه دلیل و برهان: (بالحکمه)	رفتار متناسب با نوع دشمن	رفتار با دشمن و رقبا
۲	این که چرا سکوت را به‌عنوان یکی از مصادیق موعظه حسنه آوردیم؛ با عبارتی از آیت‌الله جوادی آملی (مدظله‌العالی) بیان می‌کنیم. ایشان در ذیل آیه ۲۰ سوره آل‌عمران می‌فرمایند: «ترک جدال و مرء که در آیه مورد بحث آمده نیز خود گونه‌ای موعظه و حجّت کامل حق است، با اینکه در همین سوره داستان مباحله که از روشن‌ترین نمونه‌های محاجّه است، مطرح شده‌است». بی‌دلیل نیست که سکوت؛ از نشانه‌های فقه و دری از درهای حکمت شمرده شده است.	سکوت یا ترک جدال: (الموعظه الحسنه)		



ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	<p>شایسته است به این نکته اشاره کنیم که امام حسین <small>علیه السلام</small>، حبیب را در نامه خود اینگونه معرفی کردند: «از حسین بن علی به مرد فقیه؛ حبیب بن مظاهر...».</p> <p>حضرت علی <small>علیه السلام</small> در تعریف فقیه چنین فرموده بودند: «آیا فقیه را به معنای واقعی آن معرفی کنم؟ فقیه کسی است که مردم را از رحمت الهی مأیوس نمی‌کند و آنها را از عذاب الهی ایمن نمی‌کند و به آنها اجازه باقی ماندن در گناه و ارتکاب آن را نمی‌دهد و تلاوت قرآن را از روی بی‌میلی و بی‌ رغبتی به آن برای انجام دیگر امور، ترک نمی‌کند».</p> <p>برخورد سکوت محورانه حبیب با دشمن از این قرار است: شب عاشورا ابا عبدالله <small>علیه السلام</small>، برادرشان، حضرت عباس <small>علیه السلام</small> را با عده‌ای از اصحاب از جمله حبیب، مسلم بن عوسجه و زهیر بن قین به سمت دشمن فرستادند تا با سپاه دشمن گفتگو کنند. حضرت عباس <small>علیه السلام</small> از آنها درباره انگیزه‌شان پرسیدند. آنها در جواب گفتند: یا تسلیم یا شمشیر. حضرت عباس <small>علیه السلام</small> نزد امام <small>علیه السلام</small> بازگشت تا مسئله را با ایشان در میان بگذارد. حبیب از فرصت برای ارشاد و نصیحت آنها استفاده کرد و آنها را با صلابت کلامی که داشت، ارشاد کرد و گفت: «ای قوم؛ بد مردمی هستید که...» و تا آخر ادامه داد. در آن هنگام که دشمن را جوابی نبود؛ هلهله، تمسخر و استهزاء را شروع کردند. حبیب در جواب آنها هیچ اقدامی جز سکوت روا ندانست چرا که دشمن را به خوبی می‌شناخت. وی هنگام بازگشت به سمت خیمه‌ها، آیه ۱۹ سوره مجادله را قرائت می‌کرد.</p>	سکوت یا ترک جدال: (الموعظه الحسنه)		

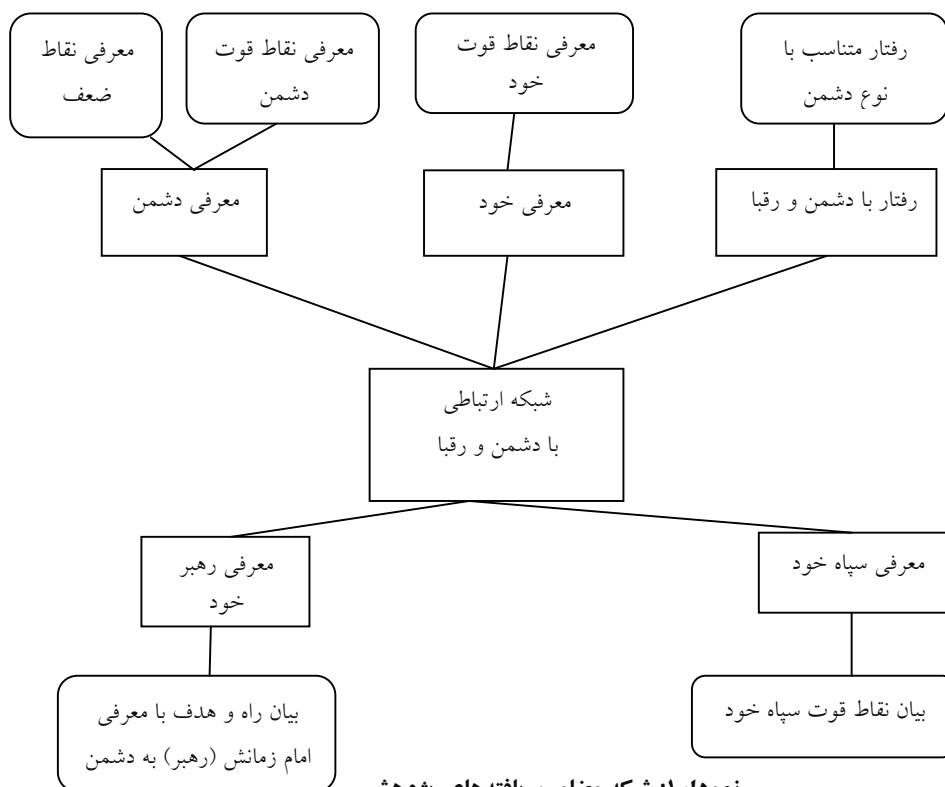
ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۳	نمونه بارز برخورد متقابلانه حبیب، در جایی است که حصین بن تمیم ملعون در ظهر عاشورا که امام <small>علیه السلام</small> آماده اقامه نماز شدند؛ خطاب به امام <small>علیه السلام</small> گفت: نماز او [اباعبدالله الحسین] قبول نمی‌شود. حبیب که توهین به امام <small>علیه السلام</small> ، خط قرمز محسوب می‌شد؛ خشمگین شد و در جواب او گفت: «آیا گمان کردی که نماز خاندان عصمت و طهارت مقبول درگاه حق نیست و نماز توی احمق دراز گوش قبول است». با این سخن که دیگر حصین بن تمیم، تاب تحمل این جواب دندان‌شکن را نداشت به سمت وی حمله‌ور شد.	برخورد متقابلانه: (جادلهم بالتی هی أحسن)		
۴	رجز دوم: أنا حبیب و أبی مُظَهَّر (من حبیب؛ فرزند مظهرم). در این معرفی حبیب نام و نسب خود را ذکر می‌کند. حبیب در بین مردم؛ یک فرد آبرومند و شناخته شده‌ای بود. سپاه دشمن هم به این نکته واقف بودند که حبیب زمان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام علی <small>علیه السلام</small> را درک کرده و در جنگ‌های این بزرگواران با دشمنان حضور داشته است. از این رو این عبارت؛ می‌تواند در دشمن جنگ روانی ایجاد کند.	شناساندن خود به دشمن	معرفی نقاط قوت خود	معرفی خود
۵	رجز دوم: فارس هیجاء (مرد جنگی). یکی از ویژگی‌هایی را که حبیب برای خود برگزیده، این است که او یک جنگجوی سواره است، مرد جنگ است با کوله باری از تجربه.	شناساندن خود به دشمن		
۶	رجز دوم: لیث قسور (شیر درنده). عین همین عبارت را حضرت علی <small>علیه السلام</small> نیز در جنگ خیبر، خطاب به مرحب خیبری فرمودند: «أنا الذی سمتنی امی حیدره ضرغام آجام و لیث قسوره».	شناساندن خود به دشمن		



ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۷	رجز دوم: و فی یمنی صارم مذکر (شمشیری دست گرفته‌ام که تیز و بران و مایه یادآوری است). از دیگر خصوصیات حبیب، بنا بر رجزهایش؛ شمشیری دست گرفته است که مایه یادآوری آنها است. یادآوری اینکه با چه حریفی روبه‌رو هستند و مولایش علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> است. در این رجز به جای «سیف»؛ «صارم» برای تأکید به کار برده شده‌است. حال آنکه سیف نیز به معنای شمشیر است اما صارم معنای تیزی و حدت آن را هم به سمع دشمن می‌رساند.	شناساندن خود به دشمن		
۸	رجز دوم: أضربکم و لا أخاف المحذر (شما را با شمشیر زده و از بیم دهنده‌ای نمی‌ترسم). از این بیان، قاطع بودن در نظر، پای‌بندی به هدف و شجاعت را می‌توان برداشت کرد. مثلاً وقتی می‌گوید: أضربکم؛ از چیزی هراسی ندارد و بر این موضوع تأکید هم می‌کند که از بیم دهنده‌ای نمی‌ترسد.	شناساندن خود به دشمن		
۹	رجز اول: اگر به شماره شما یا نیمی از شما بودیم، ای فرومایگان و شوربختان، بی‌شک به صحنه نبرد پشت می‌کردید. آری شما بی‌اردگانی هستید که به بازیچه‌تان گرفته‌اند و نردبانی شده‌اید که ستم‌پیشگان بر پایه‌های	معرفی ویژگی‌های پست دشمن	معرفی نقاط ضعف دشمن	معرفی دشمن

ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	لرزان آن سر کامیابی فردا دارند. شما در نسب و ریشه و پستی و دنائت، همانند هم و در عناد و دشمنی و لجاج بی نظیرید.			
۱۰	مجهزتر از حیث تجهیزات: (أنتم أعداء عدوة)	مشخصات سپاه دشمن	بیان نقاط قوت سپاه دشمن	
۱۱	بیشتر بودن از حیث افراد: (... و اکثر)	مشخصات سپاه دشمن		
۱۲	بی‌وفایی و نقض عهد: (و أنتم عند الوفاء أغدر)	مشخصات سپاه دشمن		
۱۳	ترس و بزدلی: (أقسم لو كنا لكم أعدادا) أو (شترکم و لیتیم أکتادا)	مشخصات سپاه دشمن	معرفی نقاط ضعف دشمن	
۱۴	بدترین قوم در پستی و دنائت: (یا شر قوم حسبا) (و یا أشد معشر عنادا)	مشخصات سپاه دشمن		
۱۵	بدترین قوم در شرک و عناد: (و شرمم قد علموا أئدادا)	مشخصات سپاه دشمن		
۱۶	با وفایی (و نحن أوفی منکم ...)	مشخصات سپاه خود		
۱۷	شجاعت و دلیری (و نحن فی کل الأمور أجدر) / (لیث قسور)	مشخصات سپاه خود		
۱۸	پاکی و طهارت / بر حق بودن (لنحن أزکی منکم و أطهر) / (حقاً ...)	مشخصات سپاه خود	بیان نقاط قوت سپاه خود	معرفی سپاه خود
۱۹	متقی بودن (... و أتقی منکم ...)	مشخصات سپاه خود		
۲۰	بردباری و صبوری (... و أصبر)	مشخصات سپاه خود		
۲۱	شیفته شهادت و مرگ (الموت عندی غسل و سکر)	مشخصات سپاه خود		
۲۲	ذی الفخار: این کلمه به معنای شخص فاضل و بزرگوار است که می‌توان به او افتخار کرد.	افتخار به رهبر خود	بیان راه و هدف با معرفی	معرفی رهبر

ردیف	گزاره کلیدی	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۲۳	یعنی همین که فردی خود را با امام خویش معرفی کند، شایسته است که به خودش ببالد. حال حبیب در میدان کارزار امام خودش را این‌گونه معرفی می‌کند که او کسی است که من به وجود او می‌بالم و فخر می‌فروشم.		امام زمانش (رهبر) به دشمن	خود
	خیرالناس حین یذکر: اینجاست که امامش را در اوج نشان می‌دهد و او را بهترین خلق معرفی می‌کند. و راه و هدف خودش را با فعل «أنصر» که قبل از این عبارت آورده بیان می‌کند و «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین (علیه السلام)» مصداق پیدا می‌کند.	معرفی رهبر خود به‌عنوان بهترین خلق		



نمودار ۱: شبکه مضامین یافته‌های پژوهش

## تبیین یافته‌های پژوهش

دشمن‌شناسی از عناصر بر حذر بودن خردمندان از دشمن و مصداق قرآنی آیه «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم» است. مدیر موفق کسی است که به معنای اتم و اکمل آن بصیرت داشته باشد و تمامی ابعاد قضیه را مورد بررسی قرار دهد و خردمندان و با هوشیاری کامل مانع از تحقق اهداف دشمن در امورشان شود. در ادامه چند مورد از مواردی که بصیرت حبیب بن مظاهر را نشان می‌دهد، ذکر خواهد شد.

### الف) نمونه اول

برخورد و گفتگوهای حبیب با دشمن متفاوت بود و متناسب با رفتارها و گفتارهای دشمن، برخوردهای متفاوتی داشت. ابزارها و شیوه‌هایی که حبیب اتخاذ کرد؛ عبارتند از «سکوت یا ترک جدال»، «اقامه دلیل و برهان» و «برخورد متقابلانه». همانطور که حضرت اباعبدالله در روز عاشورا بعد از شهادت حضرت حبیب فرمود: «لله درک یا حبیب؛ لقد كنت فاضلاً تختم القرآن في ليلة واحدة»؛ این شخصیت ترجمان عملی قرآن بود؛ چرا که این کتاب شریف، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را چنین امر کرده است: «أدع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين» (نحل/۱۲۵). به این معنا که: «با توجه به اینکه استعدادها یکسان نیست، روش دعوت هرکسی به اندازه استعداد اوست؛ برخی را با حکمت، بعضی را با موعظه و عده‌ای را با جدال احسن به سوی حق فرامی‌خوانند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۵۹۳/۸). حبیب نیز که به بیان امامش؛ اباعبدالله حسین علیه السلام هر شبانه‌روز یک بار قرآن را ختم می‌کرد، از این شیوه استفاده کرد و رفتارهای متفاوت، متناسب با هر شخص داشت.

### ب) نمونه دوم

نمونه دیگر را می‌توان با تأمل در رجزهای حبیب استخراج کرد. رجز مجموعه‌ای از اشعار است که در میدان جنگ برای تضعیف روحیه دشمن و تقویت روحیه نیروهای خودی سروده می‌شد.

### جدول ۲: متن عربی و ترجمه رجز اول

أقسم لو كنا لكم أعدادا	أو شطركم ولئتم أكتادا
يا شرّ قوم حسبا و آدا	و شرهم قد علموا أندا
و یا أشد معشر عنادا	
اگر به شماره شما یا نیمی از شما بودیم، ای فرومایگان و شوربختان، بی‌شک به صحنه نبرد پشت می‌کردید. آری شما بی‌اردگانی هست‌ید که به بازیچه‌تان گرفته‌اند و نردبانی شده‌اید که ستم پیشگان بر پایه‌های لرزان آن سر‌کامیابی فردا دارند. شما در نسب و ریشه و پستی و دنائت، همانند هم و در عناد و دشمنی و لجاج بی‌نظیرید (سنگری، ۱۳۸۶: ۹۱۰/۲-۹۱۱).	

در این رجز، حبیب بن مظاهر، دشمن خود را معرفی می‌کند و در ضمن معرفی آنها ویژگی‌هایشان را بازگو می‌کند. این رجزها به‌عنوان یکی از نمونه‌های جنگ روانی تأثیر شگرفی در تضعیف روحیه دشمن داشت.

### جدول ۳: تأکید حبیب بن مظاهر مبنی بر ترس و بزدلی سپاه دشمن

عبارت مورد تأکید	علت تأکید
آوردن تعبیر «أقسم»	به معنای «قسم می‌خورم که ...» و این خود یک نوع تأکید به حساب می‌آید و در قرآن هم نمونه‌های زیادی وجود دارد. به‌عنوان مثال خداوند در آیه ۷۵ سوره واقعه می‌فرماید: «فلا أقسم بمواقع النجوم».
آوردن «أکتادا» بعد از «ولئتم»	«ولئ» به معنای پشت کردن است و «أکتادا» که معنای آن در سابق آمد، نیز در این سیاق تقریباً همین معنا را افاده می‌کند که کنار هم آمدن این دو، یک نوع دیگری از تأکید به حساب می‌آید.

در ادامه رجز، حبیب دشمن خود را معرفی می‌کند که بدترین قوم در دنائت و شرک و عناد هستند. خود را مسلمان می‌دانند ولی در این معرکه با نوه پیامبر ﷺ می‌جنگند؛ او را نیز خارجی خوانده و خونس را مباح می‌دانند. در مصراع آخر، آنها را به معاندترین آدم‌ها تعبیر می‌کند. با دقت در مفهوم عناد، این نکته به دست می‌آید که یزیدیان با عناد و دشمنی به جنگ آمده‌اند؛ آن هم دشمنی‌ای که از گذشته بوده است.



دشمنی و کینه بدر و خیبر که در دعای ندبه آمده است و این کینه‌توزی دلیلی ندارد جز اینکه امام حسین علیه السلام فرزند حضرت علی علیه السلام است و قریشیان و بن امیه به دلیل اینکه امام علی علیه السلام بزرگان آنها را در جنگ‌های مسلمانان با مشرکان به قتل رسانیده بود؛ نسبت به آن جناب کینه داشتند و درصدد انتقام برآمدند.

#### جدول ۴: متن عربی و ترجمه رجز دوم

فارس هیجاء و لیث قسور	أنا حبيب و أبی مُظَهَّر
و فیکم نار الجحیم تُسَعَّر	و فی یمینی صارم مذکَّر
و نحن فی کل الأمور أجدر	أنتم أعداء عدّة و اکثر
لنحن أذکی منکم و أظهر	و أنتم عند الوفاء أَعْدَر
و نحن أعلى حجّة و أظهر	و نحن أوفی منکم و أصبر
الموت عندی عسلٌ و سُكَّر	حقا، و اتقی منکم، و أعذر
أضربکم و لا أخاف المحذر	مِن البقاء بینکم یا خَسَّر
أنصر خیر الناس حین یُذکَّر	عن الحسین ذی الفخار الأظهر
<p>من حبیبم و پدرم مُظَهَّر، یکه‌تاز آوردگاه و رزمگاه شعله‌ور و فروزانم. در دستم شمشیری بران است که در میان شما آتش شعله‌ور می‌سازد. شما انبوه و فراوان و مجهزید ولی ما سزاوار و شایسته‌ایم. ما از شما پاک‌تر و پاک‌نهادتریم و شما پیمان‌شکن و عهد‌نشناس و نیرنگ‌باز. ما بر حقیم و در پیشگاه خدا معذور. مرگ در کام ما همچون شهد و شکر است (و در کام شما چونان شرنگ، تلخ و ناگوار). ای تبهکاران، به جای ماندن و درنگ در میان شما، شمشیر می‌زنم و هراسم نیست. من یاری‌گر حسینم که پاک و سرافراز و ستوده است و بهترین و برترین کسی که می‌توان یاد کرد (همان، ۹۱۱).</p>	

#### جدول ۵: شناساندن خود به دشمن (مستخرج از رجز)

عبارت رجز	یافته‌ها
أنا حبيب و أبی مُظَهَّر (من حبیب؛ فرزند مظهرم)	حبیب نام و نسب خود را ذکر می‌کند. وی در بین مردم، فردی آبرومند و شناخته شده بود. سپاه دشمن نیز واقف بودند که حبیب زمان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امام علی <small>علیه السلام</small> را درک کرده و در جنگ‌های این بزرگواران با دشمنان حضور داشته است. لذا این عبارت می‌تواند در دشمن جنگ روانی ایجاد کند.

فارس هیجاء: (مرد جنگی)	حبیب یک جنگجوی سواره، مرد جنگ با کوله باری از تجربه است.
لیث قسور (شیر درنده)	عین همین عبارت را حضرت علی <small>علیه السلام</small> نیز در جنگ خیبر، خطاب به مرحب خیبری فرمود: «أنا ألدی سمتنی امی حیدره ضرغام آجام و لیث قسوره». «لیث قسور» را حبیب بن مظاهر به تأسی از مولای خودش برگزید. چرا که واقعه کربلا با حضرت علی <small>علیه السلام</small> پیوند خورده است. شاید بتوان گفت که یکی از علل اصلی واقعه عاشورا؛ همان فراز دعای ندبه است که چون حضرت علی <small>علیه السلام</small> در جنگ‌های بدر، خیبر و حنین بزرگان‌شان را به قتل رسانیده بود؛ آنها نیز به کینه آن روزها با امام حسین <small>علیه السلام</small> و اصحابش جنگیدند و حرمت‌ها را شکستند («و اودع قلوبهم احقادا بدریه و خیبریه و حنینیه»).
و فی یمینی صارم مذکر (شمشیری دست گرفته‌ام که تیز و بران و مایه یادآوری است)	حبیب شمشیری دست گرفته که مایه یادآوری آنها است. یادآوری اینکه با چه حریفی روبه‌رو هستند و مولایش علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small> است. در این رجز به جای «سیف»، «صارم» به کار برده شده‌است. حال آنکه سیف نیز به معنای شمشیر است اما صارم معنای تیزی و حدت آن را به سمع دشمن می‌رساند.
أضربکم و لا أخاف المحذر (شما را با شمشیر زده و از بیم‌دهنده‌ای نمی‌ترسم)	از این بیان؛ قاطع بودن در نظر، پای‌بندی به هدف و شجاعت را می‌توان برداشت کرد. وقتی می‌گوید: أضربکم؛ از چیزی هراسی ندارد و بر این موضوع تأکید هم می‌کند که از بیم‌دهنده‌ای نمی‌ترسد.

#### جدول ۶: مقایسه بین دو سپاه خودی و دشمن (برگرفته از دو رجز مذکور)

یاران سپاه خودی	یاران سپاه دشمن
_____	مجهزتر از حیث تجهیزات: (أنتم أعداء عدّة)
_____	بیشتر بودن از حیث افراد: (... و اکثر)
با وفایی (و نحن أوفی منکم ...)	بی وفایی و نقض عهد: (و أنتم عند الوفاء أغدر)
شجاعت و دلیری (و نحن فی کل الأمور أجدر) / (لیث قسور)	ترس و بزدلی: (أقسم لو كنا لكم أعدادا أو شطركم ولینتم أکتادا)



پاکی و طهارت / بر حق بودن (لنحن أزکی منکم و أطهر) / (حقاً ...)	بدترین قوم در پستی و دنائت: (یا شرّ قوم حسبا) (و یا أشد معشر عنادا)
متقی بودن (... و أتقی منکم، ...)	بدترین قوم در شرک و عناد: (و شرهم قد علموا أندادا)
بردباری و صبوری (... و أصبر)	_____
شیفته شهادت و مرگ (الموت عندی عسلٌ و سُکر)	_____

### ویژگی‌های سپاه دشمن

۱. مجهزتر و بیشتر بودن از حیث تجهیزات و افراد: هر چند حبیب آنها را بیشتر و مجهزتر می‌داند، اما ویژگی‌هایی را که در ادامه برای خود بیان می‌دارد، این موضوع را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در رجز اول گفته شد که تعداد خیلی تأثیرگذار نیست بلکه آنچه مهم است، روحیه و میزان ایمان فرد است به اهداف و آرمان‌هایی که دارد.
۲. بی‌وفایی و نقض عهد: بی‌وفایی از جمله خصلت‌هایی است که اهل باطل دچار آن هستند و تا پیمانی را مطابق میل خود نبینند آن را زیر پا گذاشته و نقض می‌کنند و علت آن هم واضح است چون اگر آدمی بنده دنیا باشد و برای آخرت ارزشی قائل نباشد، طبیعی است که امر معارض با دنیایش را زیر پا بنهد. حال؛ بی‌وفایی از جمله خصلت‌هایی است که کوفیان با آن شناخته می‌شوند چرا که در زمان حضرت علی علیه السلام مکرراً پیمان‌های خود را می‌شکستند به گونه‌ای که جنگ جمل را «ناکثین» یعنی پیمان‌شکنان نام نهادند. و این خصلت به قدری زشت است که آن را جزو گناهان کبیره به‌شمار آورده‌اند (أصول الکافی (ترجمه کمره‌ای)؛ ج ۵؛ ص ۲۲۶).

### ویژگی‌های سپاه امام حسین علیه السلام

- شایستگی و صلاحیت در تمامی شئون: در رجز اول، حبیب دشمن خود را در ابتدا به صورت موجز معرفی می‌کند و می‌گوید:
- «یا شرّ قوم حسبا و آدا» و شرهم قد علموا أندادا»



آنگاه به معرفی سپاه خودشان می‌پردازد. چند نمونه از شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها از این قرار است:

(۱) پاکی و طهارت: در این عبارت سه تأکید مبنی بر پاکی و طهارتشان آورد: اول اینکه «لام ابتداء» بر سر آن آورده شده است. دوم آنکه جمله اسمیه است و در نهایت دو قید «أزکی» و «أطهر» معنای یکسانی دارند و از این جهت آمده که تأکیدی برای مضمون این بیت باشد.

(۲) باوفایی: امام حسین علیه السلام وقتی می‌خواهد اصحاب خود را معرفی کند؛ می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَىٰ وَ لَأَ خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي؛ از بین تمامی اصحاب و یاران؛ اصحابی را باوفادارتر و بهتر از اصحاب خود ندیدم». این جمله امام علیه السلام حاکی از آن است که در شب عاشورا هر یک از اصحاب وفاداری خود را به گونه‌ای به امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام نشان دادند.

(۳) بردباری و صبوری: کربلا مظهر صبر است. صبر و بردباری بر بلاها، مصیبت‌ها، رنج و مهن‌ها. برای نمونه امام حسین علیه السلام خطاب به یارانش چنین می‌گوید: «درود بر شما ای بهترین یاران، درود بر شما به خاطر صبر و شکیبتان، چه نیکو است سرای آخرت. خداوند شما را در جایگاه نیکان جای دهد».

(۴) بر حق بودن: حضرت علی اکبر علیه السلام در منزل بنی‌مقاتل از امام حسین علیه السلام پرسید: پدر جان؛ آیا ما بر حق نیستیم که دشمن قصد جان ما را کرده است؟ حضرت در جواب فرمودند: بله؛ قسم به همو که بازگشت بندگان به سوی اوست، اینچنین است که ما بر حقیم.

(۵) متقی بودن: یاران اباعبدالله در زمره متقیان بودند. نمونه بارز آن زمانی است که امام علیه السلام شب عاشورا را مهلت خواست تا به عبادت و شب زنده‌داری بپردازد. نقل شده است که «سعید بن مسیب یکی از محدثین مشهور گفت: ما رأیتُ اَوْرَعَ مِنْ عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ؛ با تقواتر از علی بن حسین ندیدم».

(۶) شیفته شهادت و مرگ: نمونه‌های زیادی از این خصلت امام علیه السلام و اصحابشان وجود دارد که به ذکر دو مورد آن بسنده می‌کنیم: الف) امام حسین علیه السلام فرمودند: «همانا

من مرگ را جز شهادت نمی‌یابم و زندگی با ستمگران را غیر از ننگ و خفت نمی‌دانم؛» ب) زمانی که قاسم بن حسن علیه السلام از عمویش پرسید آیا من نیز کشته می‌شوم؟ دل امام علیه السلام برایش سوخت و گفت: پسر مرگ در نظرت چگونه است؟ گفت: عموجان شیرین‌تر از عسل. حضرت فرمود: آری به خدا سوگند، عمو به فدایت باد.

### بیان راه و هدف؛ معرفی رهبر به دشمن

حبيب بن مظاهر، رهبر و امام خویش را این‌گونه معرفی می‌کند: الف) ذی الفخار: این کلمه به معنای شخص فاضل و بزرگواری است که می‌توان به او افتخار کرد و به خود بالید. یعنی همین که فردی خود را با امام خویش معرفی کند، شایسته است که به خودش بالید. حبيب در میدان کارزار امام خودش را این‌گونه معرفی می‌کند که او کسی است که من به وجود او می‌بالم و فخر می‌فروشم؛ ب) خیر الناس حین یذکر: وی امامش را در اوج نشان می‌دهد و او را بهترین خلق معرفی می‌کند. راه و هدف خودش را با فعل «أنصر» که قبل از این عبارت آورده، بیان می‌کند. اینجاست که «الذین بذلوا مهجهم دون الحسین علیه السلام؛ کسانی که تمام هست و نیست خودشان را در راه این هدف (امام حسین علیه السلام) فدا کردند» مصداق پیدا می‌کند. علاوه بر این امام را در دو ساحت یاری می‌کند: ۱) نصرت زبانی که نمونه آن را در مصراع پایانی رجز دوم و شب عاشورا که اصحاب به رهبری حبيب بن مظاهر، جلوی خیمه امام علیه السلام جمع شدند و یکی پس از دیگری نسبت به عهد و وفای خود، ابراز وفاداری کردند؛ می‌توان مشاهده کرد. ۲) نصرت یدوی که می‌توان مصداق آن را در ظهر عاشورا دید که در جواب کسی که به امام علیه السلام توهین کرد؛ با آن فرد جنگید تا اینکه بعد از جنگیدن بسیار و کشتن تعداد زیادی از سپاه دشمن، به شهادت رسید.

### نتیجه

پیوند میان تاریخ با مسائل امروزه ممکن است. ضروری است که آدمی نیازهای روزمره و امروزی خود را با تطبیق دادن حوادث و جریان‌های تاریخی پیش‌برد تا از

میزان خطا و اشتباه خود بکااهد. پژوهش حاضر تلاش کرد تا با الگوگیری از رفتار حبیب بن مظاهر نوع رفتار با رقبا و دشمنان را تبیین کند. با الگو قرار دادن اصحاب عاشورا، چنین برمی آید که در هر سازمانی باید سه نوع اعتماد وجود داشته باشد: اعتماد به نفس، اعتماد به هم‌نوعان (کارمندان)، اعتماد به مدیر. حال اگر رقیبی قصد تخریب یکی از این شخصیت‌ها را داشته باشد و یا بخواهد به سازمان خسارتی وارد کند، نقشه‌هایش بر باد خواهد رفت؛ چرا که نتیجه چنین اعتماد سه‌گانه‌ای؛ دفاع از خود، همکاری و مدیر خواهد بود. ضمن اینکه مسلمان باید نسبت به نقاط ضعف و قوت خود واقف باشد. باید دشمن خود را شناسایی کند و نقاط قوت و ضعفش را بشناسد؛ چرا که نتیجه تنبلی و سهل‌انگاری در عدم شناخت دشمن، ضربه به نیروهای خودی است که دیگر قابل جبران نیست.

## منابع

- قرآن کریم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش الف)، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش ب)، فلسفه زیارت، قم، مرکز نشر اسراء.
- دانایی‌فرد، حسن و همکاران (۱۳۸۶)، روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران، انتشارات صفار.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۶ش)، آینه داران آفتاب، تهران، چاپ و نشر بین الملل.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامیه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۰ش)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامی.

